

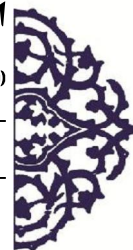
استعاره مفهومی «زیارت تجارت است» در نوحه‌ی اربعینی «تجارة لن تبور» باتکیه بر نظریه لیکاف و جانسون



رقیه رستم پور ملکی^{۱*}، زهرا صاحبی^۲

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/DUA.2024.29185.1068

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱



چکیده

استعاره مفهومی یکی از رویکردهای معناشناسی در زبان‌شناسی شناختی است. بر اساس این نظریه که نخستین بار توسط لیکاف و جانسون ارائه شد، انسان‌ها برای ابراز مفاهیم انتزاعی از نظامی استعاری بهره می‌گیرند و با تطبیق مفاهیم ذهنی بر مصداق‌های عینی، اندیشه‌های خود را به گونه‌ای قابل درک بیان می‌کنند تا درک منظورشان برای دیگران ساده شود. «نوحه» نیز به عنوان یک قالب ادبی عامیانه از استعاره-های مفهومی بهره برده است. پژوهش حاضر، به روش توصیفی-تحلیلی بر اساس نظریه لیکاف و جانسون به تحلیل نحوه استفاده از استعاره مفهومی «زیارت تجارت است» در نوحه اربعینی «تجارة لن تبور» می‌پردازد. این نوحه که در سال ۲۰۱۷، توسط مداح عراقی، ملاباسم کربلایی خوانده شده، از نوحه‌های پرمخاطب سال‌های اخیر در ایام اربعین امام حسین است. هدف از انجام این پژوهش مطالعه کارکرد استعاره مفهومی در نوحه یادشده و تطبیق آن با نگرش اعتقادی سراینده نوحه است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که در نوحه مورد بحث به منظور درک بهتر جایگاه و ارزش زیارت امام حسین علیه السلام، شاعر مفهوم انتزاعی «زیارت» و متعلقات آن مانند تشرف به زیارت، زائر، امام و امید داشتن به او و... را به عنوان حوزه مفهومی مقصد بر مفهوم عینی و ساختارمند «تجارت» و اجزای آن نظیر سرمایه‌گذاری، فروشنده، خریدار، سرمایه و سود و... به عنوان حوزه مفهومی مبدأ انطباق داده و استعاره مفهومی زیارت تجارت است را ایجاد کرده است، همچنین از آنجا که در مستندات قرآنی و روایی به جایگاه و ثواب زیارت سیدالشهدا اشاره شده است، می‌توان این استعاره مفهومی را برخاسته از نگرش دینی و باورهای شیعی نوحه‌پرداز دانست.

کلیدواژه‌ها: استعاره مفهومی، نوحه «تجارة لن تبور»، زیارت امام حسین علیه السلام، تجارت، اربعین

۱. استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، (نویسنده مسئول) * r.rostampour@alzahra.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران z.sahebi@student.alzahra.ac.ir

۱. مقدمه

استعاره مفهومی از نظریه‌های بلاغت جدید است. این نظریه، نظام ذهنی انسان را یک نظام استعاری می‌داند و بر این باور است که انسان‌ها ذاتاً برای بیان مفاهیم ذهنی و منظور خود از استعاره استفاده می‌کنند. به این معنا که با استفاده از مفاهیم عینی که به شکل تجربی، یا به واسطه‌ی شرایط زندگی خود از محیط پیرامون دریافت کرده‌اند، مفاهیم ذهنی خود را توصیف و تعریف کرده و این‌گونه سعی می‌کنند آن مفاهیم را برای دیگران قابل درک نمایند. در واقع، استعاره مفهومی درک یک حوزه معنایی بر اساس یک حوزه معنایی دیگر است که بر اساس انطباق بین دو حوزه مبدأ و مقصد انجام می‌شود.

جرج لیکاف و مارک جانسون دو دانشمند حوزه زبان‌شناسی شناختی اولین بار نظریه استعاره مفهومی را در کتاب «استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم»^۱ طرح کرده‌اند. تحقیقات گسترده این دو در زمینه استعاره ثابت کرد کاربردهای استعاره به حوزه مطالعات ادبی محدود نمی‌شود؛ به این دلیل که در نگاه انسان، استعاره در درک پدیده‌ها نقش مهمی دارد. درواقع، استعاره مفهومی بر حسب ضرورت و نیاز بشر به بازنمایی پدیده‌های ناآشنا، با تکیه بر تجربیات و اطلاعات قبلی شکل می‌گیرد و در اندیشه و تخیل نقش مهمی را ایفا می‌کند. اگرچه طبق نظر لیکاف و جانسون، استعاره مفهومی بیشتر در زبان مردم عامه و ادبیات روزمره رواج دارد، اما این بدان معنا نیست که شعر با استعاره مفهومی بیگانه است؛ بلکه استعاره‌های مفهومی در شعر می‌توانند با تعبیری دقیق‌تر و بدیع‌تر بیان شوند.

نوحه که می‌توان آن را تنها قالب ادبی مختص فرهنگ شیعی دانست (مطهری، ۱۳۷۸، مقدمه)، با عموم مردم جامعه سروکار دارد و مخاطبان اصلی آن مردم کوچه و بازارند، به همین خاطر مطالعه نظریه استعاره مفهومی در نوحه‌ها می‌تواند یکی از سرفصل‌های پژوهشی مورد توجه زبان‌شناسان و علاقمندان به ادبیات و فرهنگ شیعی باشد. از این‌رو این پژوهش در صدد مطالعه استعاره مفهومی به کاررفته در نوحه اربعینی «تجارة لن تبور» برآمده است. هدف این پژوهش مطالعه خاستگاه استعاره مفهومی «زیارت تجارت است» و نحوه نگاشت مفهوم انتزاعی زیارت بر مفهوم عینی تجارت در نوحه مورد بحث است. این نوحه در بیان جایگاه زیارت و پاداش و ثواب آن، از استعاره مفهومی «زیارت تجارت است» بهره گرفته است.

1. Metaphors We Live By



۱-۱. سوالات تحقیق

این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به این سوالات است:

۱. انطباق حوزه مقصد زیارت بر حوزه مبدأ تجارت ذیل کلان‌استعاره مفهومی «زیارت تجارت است» در نوحه عربی «تجارة لن‌تبور» چگونه است؟
۲. خاستگاه انطباق مفهوم زیارت بر تجارت در نوحه عربی «تجارة لن‌تبور» طبق نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون چیست؟

۲-۱. پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر پژوهشگران از نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون برای مطالعه متون دینی بهره برده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به مقالات ذیل اشاره کرد:

۱. مقاله «بازکاوی استعاره‌های مفهومی لباس در قرآن و نهج‌البلاغه بر مبنای مدل لیکاف و جانسون (۱۴۰۲)» توسط محمد علی‌محمد در مجله ذهن به چاپ رسیده و به تحلیل روابط دو حوزه مقصد و مبدأ در استعاره‌های مفهومی قرآن و نهج‌البلاغه که به وسیله حوزه ملموس لباس برای مخاطبان عینی‌سازی شده، پرداخته است.

۲. مقاله «ساختار و نتایج استعاره مفهومی بهشت در قرآن کریم (۱۴۰۰)» که توسط سیدابوالقاسم حسینی ژرفا، در مجله آموزه‌های قرآنی به چاپ رسیده است؛ استعاره مفهومی بهشت در قرآن را بررسی کرده و نیز انواع استعاره‌های مفهومی را که به عینی‌سازی مفهوم بهشت پرداخته‌اند، مورد مطالعه قرار داده است.

۳. مقاله «بررسی طرحواره‌های تصویری و استعاره‌های مفهومی در جزء سی قرآن (۱۳۹۹)» که توسط مجید محمدی و همکاران در مجله مطالعات ادبی متون اسلامی به چاپ رسیده، نیز به مطالعه انواع استعاره‌های مفهومی به کار رفته در سوره‌های جزء سی قرآن کریم پرداخته است.

۴. مقاله «بررسی استعاره‌های هستی‌شناختی حوزه مفهومی قلب در نهج‌البلاغه (۱۳۹۹)» که توسط سمیه کاظمی نجف‌آبادی در پژوهش‌نامه نهج‌البلاغه منتشر شده نیز استعاره‌های قلب را در نهج‌البلاغه، ذیل سرفصل استعاره‌های هستی‌شناختی مورد مطالعه و بررسی قرار داده است.

۵. مقاله «بررسی تطبیقی استعاره مفهومی «عشق جنگ است» از مفهوم‌سازی فنا در دیوان شمس و قرآن (۱۳۹۸)» که توسط محبوبه مباشری و همکاران در مجله پژوهش‌های ادبی-قرآنی منتشر شده، به

مطالعه تطبیقی دیوان شمس و قرآن کریم در مفهوم‌سازی فنا با محوریت استعاره مفهومی عشق جنگ است، پرداخته است.

۶. مقاله «استعاره مفهومی گناه در سخنان امام علی با تکیه بر نهج البلاغه (رویکرد شناختی)» (۱۳۹۷) که توسط موسی عربی در مجله پژوهش‌های نهج البلاغه منتشر شده نیز، به مطالعه انواع استعاره‌های مفهومی گناه در نهج البلاغه پرداخته است.

۷. مقاله «استعاره مفهومی رحمت الهی در قرآن کریم (۱۳۹۶)» که توسط سیده‌مطهره حسینی و همکاران در مجله ذهن منتشر شده نیز به مطالعه استعاره مفهومی رحمت الهی در قرآن و بسط معنایی حاصل از آن که مالکیت و استیلا و علم خداوند به نعمت‌های دنیوی و اخروی را بیان می‌کند، پرداخته است.

۸. مقاله «استعاره مفهومی آیه نور در قرآن (۱۳۹۵)» که توسط بهجت‌السادات حجازی در مجله فنون ادبی به چاپ رسیده، نیز به آیه ۳۵ سوره نور به‌عنوان یک استعاره مفهومی نگریسته و با کمک خرداستعاره‌هایی آن را تفسیر کرده است.

۹. مقاله «مفهوم‌سازی کلام الهی در قرآن بر اساس ارتباط شناسی و استعاره مفهومی (۱۳۹۵)» که توسط علی‌رضا قائمی‌نیا و همکاران، در مجله ذهن منتشر شده است نیز به کاربرد استعاره مفهومی در قرآن و به‌کارگیری آن از جهت تفهیم مفاهیم پرداخته است.

اما طبق بررسی‌های انجام شده، تاکنون هیچ پژوهشی در حوزه نوحه‌های معاصر با تکیه بر نظریه استعاره مفهومی انجام نشده است. پژوهش حاضر فتح بابی‌ست برای توجه بیشتر به مطالعه استعاره مفهومی در قالب ادبی نوحه که با مخاطب عام سروکار دارد و از استعاره‌های مفهومی بی‌بهره نیست و نیز به دلیل گستردگی مخاطب، می‌تواند مفاهیم ارزشمند بسیاری را به جامعه منتقل کند.

۲. معرفی نوحه تجارة لن تبور

نوحه اربعینی تجارة لن تبور که توسط میرزا عادل اشکنانی (۱) سروده و در سال ۲۰۱۷ توسط ملاباسم کربلایی خوانده شده، از نوحه‌های شناخته‌شده است و مورد استقبال بسیاری از سوی مخاطبان نوحه قرار گرفته است. نام این نوحه که به لهجه عامیانه عراقی سروده شده، برگرفته از آیه (إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ) (فاطر، ۲۹) قرآن کریم است. شاعر در این نوحه که شامل ۶ بند است، به بیان جایگاه والای زیارت امام حسین و ثواب بسیار آن پرداخته است



و از استعاره مفهومی «زیارت تجارت است» بهره برده و بر مبنای آن، زیارت امام حسین علیه السلام را نوعی تجارت انگاشته است. (۲)

۳. چارچوب نظری پژوهش

زبان‌شناسی شناختی^۱ که یکی از سه رویکرد اصلی مطالعه زبان است (۳) از مکتب‌های نوظهوری است که به مسئله استعاره پرداخته است. در این علم به مطالعه زبان بر اساس تجربیات بشر از جهان و نحوه درک و شیوه مفهومی‌سازی پرداخته می‌شود (راسخ مهند، ۱۳۹۴: ۶).

از منظر زبان‌شناسی شناختی استعاره یک فرایند ذهنی-زبانی است (ذوالفقاری و عباسی، ۱۳۹۴: ۱۰۵). طبق باور زبان‌شناسان شناختی، دانش زبانی انسان مستقل از اندیشیدن و شناخت نیست و نظام مفهومی بشر در ذات خود ماهیتی استعاری دارد. این نگرش در پیچه جدیدی به سوی مطالعات ادبی گشود و منجر به دریافت این نکته شد که استعاره تنها ابزاری برای گفتار نیست و صرفاً جنبه تزئینی ندارد؛ بلکه معانی جدید از طریق استعاره وارد زبان می‌شوند (ریکور، ۱۳۸۶: ۸۳). به اعتقاد زبان‌شناسان شناختی تمایل انسان به الگوگیری از افعال فیزیکی برای افعال ذهنی ریشه ایجاد ارتباط میان واژه‌هاست. به بیان دیگر، زبان‌شناسی شناختی سعی دارد تحلیلی از ساخت‌های زبان در ارتباط با فرایندهای ذهنی ارائه کند و زبان را مستقل از ذهن نمی‌بیند (گلفام، ۱۳۸۵: ۲۶۷). در این رویکرد، زبان بخشی از شناخت بشر و درک درست از زبان در گرو درک فرایندها و عملکردهای ذهن است.

مفهوم‌سازی پس از ادراک محقق می‌شود (عبدالکریمی، ۱۳۹۰: ۱۰۸)؛ به این معنا که هرچه به واسطه حواس پنج‌گانه قابل درک است، در فرم‌های اطلاعاتی جداگانه، اما مربوط به هم در ذهن طبقه‌بندی می‌شود به صورت مفهوم در ذهن جمع‌آوری می‌گردد. درواقع، توجه اصلی زبان‌شناسان شناختی بر مطالعه معنا قرار دارد.

لیکاف اولین کسی بود که اصطلاح معناشناسی شناختی را مطرح کرد. او با طرح نظریه خود مبنی بر این که «دانش زیبایی، مستقل از اندیشمندان و شناخت نیست» بسیاری از معناشناسان را مجذوب خود ساخت (صفوی، ۱۳۹۵: ۳۶۳). از نظر او معناشناسی شناختی به مطالعه رابطه میان تجربه، شناخت تجسم یافته، و معنا می‌پردازد. (کریمی، ۱۳۹۴: ۱۵۱) استعاره در معناشناسی شناختی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار

است و نقش عمده‌ای بر عهده دارد. این رویکرد استعاره را ابزاری مناسب برای تشخیص چگونگی اندیشیدن و رفتارهای زبان می‌داند و نگرش ایشان به استعاره نگرش رماتیک (در مقابل نگرش کلاسیک) است (صفوی، ۱۳۹۵: ۳۶۹).

استعاره ذهن، تجربه و تخیل انسان را ساختارمند می‌کند و درک مفاهیم انتزاعی را ساده می‌سازد. به عبارت دیگر، استعاره پیوند دهنده‌ی عقل و تخیل است (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۵: ۲۴۱ و ۲۴۴). می‌توان گفت استعاره به مثابه پیشگویی‌هایی محقق شده است و انسان خواسته یا ناخواسته با استفاده از استعاره نتیجه‌گیری و هدف‌گذاری می‌کند و برنامه‌های خود را اجرا می‌نماید.

۳-۱. تعریف استعاره مفهومی

اصطلاح استعاره مفهومی اولین بار در کتاب «استعاره‌هایی که زندگی می‌کنیم» مطرح شد و به مرور به عنوان یکی از موضوعات اصلی معناشناسی شناختی مطرح شد.

طبق نظر لیکاف و جانسون نه تنها با کمک استعاره می‌توان در مورد پدیده‌ها سخن گفت، بلکه با استفاده از آن می‌توان درباره آن‌ها اندیشید (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۹: ۹). استفاده بشر از استعاره به طور ناخودآگاه و غیر ارادی صورت می‌گیرد. استعاره‌ها دقیقاً به این خاطر در قالب عبارت‌های زبانی ظاهر می‌شوند که در نظام مفهومی انسان حضور دارند (همان: ۱۲).

در واقع، استعاره پدیده‌ای فرا زبانی و مربوط به اعمال و رفتار انسان است و تصورات انسان که پایه افکار و اعمال اوست، ماهیتی استعاری دارد. بسیاری از مفاهیم مانند احساسات، زمان، ایده‌ها و غیره، یا انتزاعی‌اند یا در تجربه ما تعریف روشنی برای آن‌ها وجود ندارد و لازم است به واسطه مفاهیم دیگری فهمیده شوند. مفاهیمی که ما آن‌ها را به واسطه اصطلاحات شناخته‌شده‌تری مانند جهت‌ها، اشیاء و مفاهیم عینی درک می‌کنیم. «درواقع در درک استعاره‌ای، ما شیء یا تجربه‌ای از یک نوع را برحسب شیء یا تجربه‌ای از نوع دیگر درک می‌کنیم» (قاسم‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۱۸).

زبان‌شناسان شناختی بر این باورند که انسان به شکل ناخودآگاه به دنبال پیدا کردن ویژگی‌های مشترک در موضوعات متفاوت است تا مسائل را بر پایه این اشتراکات درک کند. آن‌ها این فرایند را استعاره‌ی مفهومی نامیده‌اند. به بیان دیگر، «استعاره مفهومی» عبارت است از درک امور انتزاعی بر پایه‌ی امور عینی، به دیگر سخن استعاری اندیشیدن یعنی تجسم مفاهیم ذهنی» (فتوحی ۱۳۹۵: ۳۲۵).

1. Conceptual Metapho



۲-۳. ساختار استعاره‌های مفهومی

در استعاره مفهومی دو حوزه مفهومی وجود دارد و استعاره مفهومی حاصل ارتباط این دو حوزه است. در واقع، استعاره مفهومی سه رکن اصلی تحت عنوان «حوزه مبدأ»^۱، «حوزه مقصد»^۲ و «نگاشت»^۳ دارد. فرایند استعاره‌سازی، حاصل انگاشتن حوزه مبدأ به جای حوزه مقصد است (لیکاف، ۱۳۹۶: ۴۷۰).

به حوزه مفهومی عینی و ملموس که حوزه دیگر با کمک آن شناخته می‌شود، حوزه مبدأ گفته می‌شود. حوزه دیگر که انتزاعی‌تر و تقریباً مبهم است و بر اساس دانش و مجموعه تجربیاتی که حوزه مبدأ منتقل کرده، قابل درک و شناسایی است، حوزه مقصد نامیده می‌شود و نسبتی که بین این دو حوزه وجود دارد، نگاشت نامیده می‌شود. منظور از نگاشت، تناظرهای نظام‌مند استعاری بین مفاهیمی است که با یکدیگر ارتباطی نزدیک دارند (افراشی و حسامی، ۱۳۹۲: ۱۴۴).

به عنوان مثال، اگر عبارت «جاده زندگی پر خطر است» را برخاسته از استعاره مفهومی «زندگی سفر است» بدانیم، مفهوم زندگی حوزه مقصد و مفهوم سفر حوزه مبدأ است و به پشتوانه دانش و تجربه بشر از سفر، می‌توان مفهوم زندگی را شناسایی کرد.

۳-۳. انواع استعاره‌های مفهومی

استعاره‌های مفهومی به سه گروه اصلی تقسیم شده‌اند: استعاره‌های جهتی^۴ استعاره‌های هستی-شناختی^۵ و استعاره‌های ساختاری^۶ (کوچش، ۱۳۹۳: ۶۲) (۴).

۳-۳-۱. استعاره‌های جهتی

استعاره‌هایی که با جهت‌های مکانی بالا، پایین، چپ، راست و غیره پیوند دارند، استعاره‌های جهتی نامیده می‌شوند (کوچش، ۱۳۹۳: ۶۶-۶۵). جهت‌های مکانی نتیجه‌ی ویژگی‌های فیزیکی و نوع عملکرد کالبد و جسم‌ما در محیط هستند و استعاره‌های جهت‌مند به یک مفهوم جهتی، مکان اختصاص می‌دهند. این استعاره‌ها بر اساس تجربه‌ی جسمانی و فرهنگی رخ می‌دهند و ممکن است در فرهنگ‌های

-
1. Source Domain
 2. Target Domain.
 3. Mapping
 4. Orientation Metaphor
 5. Ontological Metaphor
 6. Structural Metaphor

گوناگون متفاوت باشند (لیکاف و جانسون ۱۳۹۹: ۲۳). کارکرد شناختی استعاره‌های جهتی ایجاد انسجام و هماهنگی در مجموعه مفاهیم مقصدی است که در نظام مفهومی ما وجود دارد (کوچش: ۶۶-۶۵)

۳-۲-۳. استعاره‌های هستی‌شناختی

استعاره‌های هستی‌شناختی بیشتر برای بیان تجربیات انتزاعی و مبهم مانند ترس، خشم و... استفاده می‌شوند. زلتن کوچش معتقد است انسان‌ها به‌طور کلی، تجربیات خود را در قالب اشیاء، اجسام و ظروف درک می‌کنند؛ بی‌آن‌که مشخص کنند منظورشان چه نوع شیء، جسم یا ظرفی است (کوچش، ۱۳۹۳: ۶۴). درواقع، آن دسته از استعاره‌های مفهومی که در آن‌ها ماهیت و هستی عامل انتزاعی به وسیله‌ی شیء، ظرف، ماده و انسان‌نمایی درک شود، استعاره‌ی هستی‌شناختی است. استعاره‌های هستی‌شناختی از پایه‌ای‌ترین استعاره‌ها هستند. زیرا به پدیده‌ها و رخدادها غیرفیزیکی، حالت و جایگاه می‌بخشند (همان: ۱۳۶).

در این نوع استعاره رویدادها و کنش‌ها به زبان استعاری به‌مثابه اجسام، فعالیت‌ها به‌مثابه مواد و حالت‌ها به‌مثابه ظرف مفهوم‌سازی می‌شوند (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۹: ۴۴). انسان‌نگاری یا تشخیص آشکارترین نوع استعاره‌های هستی‌شناختی است (همان: ۴۷).

۳-۳-۳. استعاره‌های ساختاری

استعاره‌هایی که در آن‌ها مجموعه‌ای از مفاهیم با توجه به یک مجموعه مفهومی دیگر سازماندهی می‌شود، استعاره ساختاری نامیده می‌شوند (همان: ۲۳). این استعاره‌ها نیز بر اساس ارتباطات نظام‌مند تجربه‌های ما شکل می‌گیرند.

وظیفه استعاره‌های ساختاری ایجاد ساختاری دقیق برای مفاهیم انتزاعی است. در این نوع استعاره حوزه مبدأ، ساختار شناختی قدرتمندی است برای شناسایی حوزه مقصد. به بیان دیگر، کارکرد شناختی استعاره‌ها به‌گونه‌ای این امکان را می‌دهد حوزه مقصد را با استفاده از ساختار مبدأ درک کند (کوچش، ۱۳۹۳: ۶۲-۶۴).

به‌عنوان مثال، استفاده از عبارت‌های استعاری نظیر «با گفتارم به او حمله کردم»، «با سخنانم از خودم دفاع کردم» و «با کلام خود، او را شکست دادم»، در یک گفتگوی روزمره، باعث ایجاد ساختاری می‌شود که مدعی است بحث کردن نوعی جنگیدن است. یعنی فضای گفتگو میدان جنگ است. بحث‌کنندگان، سربازند، سخن‌گفتن وسیله‌ای برای دفاع و حمله است و طرف مقابل بحث، دشمن است. در استعاره ساختاری «بحث جنگ است» اجزاء زیرمجموعه مفهوم بحث (حوزه مقصد) بر اجزاء



زیرمجموعه مفهوم جنگ (حوزه مبدأ) منطبق می‌شود و در نهایت، مفهوم بحث به واسطه مجموعه انطباق-هایی که با مفهوم جنگ دارد، برای مخاطب قابل درک می‌شود. استعاره‌های ساختاری به انسان اجازه می‌دهند از یک مفهوم ساختارمند و شناخته‌شده، برای ساختار بخشیدن به مفهومی دیگر استفاده کنند (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۵: ۱۱۰ - ۱۰۹).

۴. کلان‌استعاره «زیارت تجارت است» در نوحه تجارة لن تبور

«تجارت» در لغت به معنای خرید و فروش و نیز خریدن کالا به انگیزه فروختن آن با بهای بیشتر، همچنین به کارگیری سرمایه به‌منظور سود بردن، آمده است (ابن منظور، ۴: ۸۹/۱۴۱۴). طبق روایتی از رسول خدا صلی‌الله علیه وآله که جزء از ده جزء خیر و برکت در تجارت قرار داده شده است (حر عاملی، ۱۷: ۱۱۰۴/۱۰). همچنین، تجارت یکی از فعالیت‌های اقتصادی است که پیش از اسلام و دوره جاهلی در جوامع مختلف از جمله جامعه عربی رواج داشته است. در آیات قرآن، بارها به تجارت و کارها و اصطلاحات مربوط به آن اشاره: و بسیاری از فعالیت‌های دینی و عبادی به‌مثابه خرید و فروش و تجارت انگاشته شده است. امام علی علیه‌السلام در حکمت ۱۳۱ نهج البلاغه دنیا را تجارت‌خانه اولیاءالله دانسته است: «إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَقَها وَ دَارُ عَافِيَةٍ لِمَنْ فَهِمَ عَافِيَتَهَا ... وَ مَتَجَرُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ. اكْتَسَبُوا فِيهَا الرِّحْمَةَ وَ رَبِحُوا فِيهَا الْجَنَّةَ/ دنیا خانه راستی است برای کسی که او را راستگو دانست، سرای عافیت و تندرستی است، برای کسی که آن را شناخت و فهمید و... و تجارت‌خانه اولیاء حق است که در آن رحمت به دست آوردند و بهشت را سود بردند» (شیروانی، ۱۳۹۰: ۷۵۹).

در نوحه مورد بحث در این پژوهش نیز شاعر با بهره‌گیری از کلان‌استعاره «زیارت تجارت است»، زیارت سیدالشهدا علیه‌السلام را به‌مثابه تجارت دانسته است. این کلان‌استعاره با انطباق بخش‌های مختلف زیارت، به‌عنوان حوزه مقصد بر تجارت به‌عنوان حوزه مبدأ سعی دارد به مفهوم انتزاعی زیارت، ساختاری از جنس ساختار تجارت که ملموس و شناخته‌شده است، ببخشد و به این وسیله درک بهره‌ای را که زیارت می‌تواند برای انسان داشته باشد، ساده‌تر نماید.

۴-۱. ارکان مختلف تجارت به‌عنوان حوزه مبدأ

تجارت به‌عنوان یک مفهوم ساختارمند از منظر عامه مردم، دارای اصطلاحات و افعال و نقش‌های مشخصی است. از آنجا که استعاره مفهومی در گفتگوی عادی و روزمره مردم رواج دارد، در این بخش افعال، نقش‌ها و اصطلاحات تجارت طبق کاربردی که در ادبیات عامه دارد، بیان شده است: (۵)

الف. افعال تجارت

معامله (خرید و فروش) که پایه اصلی تجارت و مهم‌ترین فعلی است که در بازار اتفاق می‌افتد (نفیسی، ۱۳۴۳: ۵ / ۳۳۹۱). معامله پایاپای یا کالا به کالا که در گذشته رایج بوده و طرفین معامله به جای پرداخت وجه نقد، کالای خود را با کالای دیگری معاوضه می‌کردند، نیز گونه‌ای از معامله است (شاهرویدی، ۱۳۸۲: ۲ / ۲۲۴۱). ضمانت که به معنای کفالت و تضمین کسی یا چیزی است (دهخدا، ۱۳۹۰: ۲ / ۱۹۲۱) و پشتوانه معاملات است و به خرید و فروش و فعالیت‌های تجاری اعتبار می‌دهد. سرمایه‌گذاری که لازمه کارهای تجاری و کسب و کار و فعالیت در بازار است (همان: ۱۶۸۵). شراکت که به معنای سرمایه‌گذاری مشترک در دو یا چند نفر در یک معامله است (همان: ۱۷۹۵).

ب. نقش‌های تجارت

خریدار و فروشنده که شامل دوطرف معامله می‌شود (نفیسی: ۲ / ۱۳۵۶ و ۴ / ۲۵۵۴). ضامن که اشاره به فردی که پشتوانه و حمایت‌گر طرفین معامله باشد؛ دارد (همان: ۳ / ۲۱۸۸). سرمایه‌گذار فردی است که مال اولیه شروع فعالیت اقتصادی را فراهم کرده است (دهخدا: ۲ / ۱۶۸۵). تاجر فردی است که در عرصه خرید و فروش و سرمایه‌گذاری با تجربه است و در امور اقتصادی به قدرت بالایی دست یافته است (نفیسی: ۲ / ۷۲۲).

ج. اصطلاحات تجارت

سود مبلغ مازاد از سرمایه است که از طریق معاملات به دست آمده است (بن‌خلف، ۱۳۸۰: ۵۳۶). زیان و ضرر مبلغ کسری از سرمایه است که در طی معاملات از دست رفته است (نفیسی: ۳ / ۱۷۹۹). سرمایه رأس‌المال یا هزینه اولیه‌ای است که کسب و کار با آن راه‌اندازی شده است (همان: ۱۶۰۸). ثمن بهای کالایی است که در معاملات به خرید و فروش می‌رسد (همان: ۲ / ۱۰۴۱). کالای مورد معامله کالایی است که در معامله به خرید و فروش می‌رسد (بن‌خلف: ۷۰۲).

شاعر در نوحه‌ی تجارة لن‌تبور با بیانی هنرمندانه، و با مفهوم‌سازی زیارت در ساختار تجارت، تلاش کرده است تصویری روشن و قابل درک از زیارت اربعین و ثواب آن ارائه نماید. در انطباق مفهوم زیارت بر ساختار تجارت لازم است منظور شاعر از معامله، طرفین معامله، سود و زیان، سرمایه، ثمن و کالاهای مورد معامله، سرمایه‌گذاری و ثروت و دارایی ذیل کلان‌استعاره «زیارت تجارت است» مورد مطالعه و بررسی قرار بگیرد.



۲-۴. تطبیق ارکان حوزه مبدأ (تجارت) و مقصد (زیارت)

زیارت امام حسین علیه السلام همواره نزد خدای متعال و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام از اعمال پسندیده بوده است. روایات بسیاری بر زیارت امام حسین علیه السلام تاکید داشته‌اند از جمله این روایت از امام صادق علیه السلام که فرمودند: «زِيَارَةُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مَنْ يَقَرُّ لِلْحُسَيْنِ بِالْإِمَامَةِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» (حر عاملی، ۱۰: ۱۱۰۴/۳۴۶). زیارت حسین علیه السلام بر هرکسی که به امامت آن حضرت علیه السلام از جانب خداوند اقرار دارد، واجب است». همچنین، حضرت علیه السلام در روایت دیگری خطاب به یکی از اصحاب فرمودند: «لَا تَدَعْ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ مُرْ أَصْحَابَكَ بِدَلِكِ يَمُدُّ اللَّهُ فِي عُمْرِكَ وَ يَزِيدُ فِي رِزْقِكَ وَ يُحْيِيكَ اللَّهُ سَعِيداً وَ لَا تَمُوتُ إِلَّا شَهِيداً وَ يَكْتُبُكَ سَعِيداً» (جلالی، ۱۴: ۴۳۱/۱۴۱۶). زیارت امام حسین علیه السلام را فراموش نکن و اصحابت را به انجام آن دستور ده که خداوند عمرت را طولانی و رزقت را زیاد می‌کند و تو را سعادتمند زنده نگه می‌دارد و از دنیا نخواهی رفت، مگر شهید و سعادتمند».

زیارت اربعین و زیارت پیاده سیدالشهدا علیه السلام نیز همواره مورد تاکید و اشاره ائمه معصومین علیهم السلام بوده است. به گفته برخی پژوهشگران، راهپیمایی در ایام اربعین از زمان امامان شیعه در بین شیعیان رایج بوده است. برخی آن را سنت و رفتار مداوم شیعیان از زمان ائمه علیهم السلام دانسته‌اند و گفته‌اند شیعیان در زمان بنی امیه و بنی عباس نیز به آن پای بند بوده‌اند (قاضی طباطبائی، ۱۳۶۸: ۲).

اگرچه هیچ یک از روایات موجود در خصوص زیارت سیدالشهدا علیه السلام به شکل صریح، زیارت را معادل تجارت ندانسته‌اند، اما به نظر می‌رسد شاعر نوحه «تجارة لن تبور» با توجه به باور و فرهنگ شیعه نسبت به ثواب و اجر و ارزش زیارت سیدالشهدا علیه السلام در این نوحه، زیارت سیدالشهدا علیه السلام و به طور خاص، زیارت اربعین را تجارت انگاشته است و با ایجاد تناظر بین ارکان تجارت به عنوان حوزه مبدأ و زیارت به عنوان حوزه مقصد، تلاش کرده است، اجر و پاداش اخروی زیارت سیدالشهدا علیه السلام را برای مخاطب ملموس نماید. آنچه در ادامه پژوهش می‌آید خرداستعاره‌های به کار رفته در نوحه مورد مطالعه است.

۴-۲-۱. سرمایه و سرمایه‌گذاری

این نوحه با عبارات ذیل آغاز شده است: يا مالک الشُّعُورِ و الَّا شُعُورُ / سَعْيًا عَلَى الرَّؤُوسِ جُنًا نَزُوؤُ / نَرْجُو تِجَارَةً لَنَا لَنْ تُثَوِّرَ؛ امید تجارتي بدون زیان داریم / ای مالک ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه / با سر به زیارت آمدیم / امید تجارتي بدون زیان داریم.



این عبارات خطاب به امام حسین علیه السلام بیان شده است. پیش‌تر گفته شد که عبارت «تجارة لن تبور» از آیه ۲۹ سوره فاطر به معنای: آن‌ها که کتاب خدا را تلاوت کرده و نماز به پا می‌دارند و از آنچه ما روزیشان کرده‌ایم پنهان و آشکار (به فقیران) انفاق می‌کنند (از لطف خدا) امید تجارتی دارند که هرگز زیان و زوال نخواهد یافت، گرفته شده است و شاعر با استفاده از آرایه تلمیح به این آیه اشاره کرده است. طبق تعریف این آیه کسانی به تجارت بدون ضرر امیدوارند که کتاب خدا را تلاوت می‌کنند، نماز به پا می‌دارند، و انفاق می‌کنند. شاعر با استفاده از عبارت تجارة لن تبور زیارت را به نوعی معادل انجام اعمال ذکر شده نیز دانسته است. با تکیه بر نظر لیکاف و جانسون، از این عبارت استعاره «زیارت تجارتی بدون ضرر است» برداشت می‌شود.

در جای دیگر شاعر با ذکر عبارات: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ / أَذَلَّكُمْ عَلَى الطَّرِيقِ الْأَمْتَلِ / تَجَارِهِ تَنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ / بِيهَا الرِّيحُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَحْصِلُ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آیا برترین راه را نشانتان بدهم؟/ تجارتی که شما را از عذاب نجات می‌دهد/ و سود آن در روز قیامت عایدتان می‌شود. زیارت را تجارتی می‌داند که اهالی ایمان را از عذاب نجات می‌دهد و سودش در روز قیامت به دست خواهد آمد. در این عبارت، «زیارت» بر «سرمایه‌گذاری بلندمدت» انطباق داده شده است. طبق نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون استعاره مفهومی «زیارت سرمایه‌گذاری بلندمدت است» در این عبارت دیده می‌شود.

این عبارت برگرفته از آیه: (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَذَلَّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ) (صف، ۱۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک‌هایی می‌بخشد؟! است. طبق این آیه و آیه بعدی تجارتی که نجات‌دهنده از عذاب است، ایمان به خدا و پیامبرش و جهاد در راه او است. بنابراین، می‌توان گفت شاعر با این استعاره زیارت امام حسین علیه السلام را معادل ایمان به خدا و پیامبر و جهاد در راه خدا نیز دانسته است. همچنین از امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در خصوص این آیه آمده است که حضرت فرمودند: «أَنَا التِّجَارَةُ الْمُرِيحَةُ الْمُنْجِيَةُ مِنَ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ الَّتِي دَلَّ عَلَيْهَا فِي كِتَابِهِ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۳۰/۲۴)؛ من همان تجارت پرسود و نجات‌دهنده از عذاب دردناک هستم».

نکته دیگر در خصوص این عبارت کنایه‌ای است که در ترکیب الذین آمنوا دیده می‌شود. شاعر با استفاده از این عبارت قرآنی، اشاره‌ای ضمنی به روایت معروف امام حسن عسکری علیه السلام در خصوص ارتباط ایمان و زیارت اربعین داشته است: «عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ صَلَاةٌ إِحْدَى وَخَمْسِينَ وَ الْجَهْرُ بِبِسْمِ

اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَ تَغْفِيرُ الْجَبِينِ وَ التَّحَنُّمُ فِي الْيَمِينِ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ؛ نشانه‌های مؤمن پنج است: خواندن پنجاه و یک رکعت نماز در شبانه‌روز، با صدای بلند بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ گفتن، پیشانی به خاک مالیدن، انگشتی در دست راست کردن، زیارت اربعین» (همان: ۱/۳۲۹).

می‌توان گفت شاعر عامدانه زوار سیدالشهدا علیه‌السلام را با عبارت الذین آمنوا مورد خطاب قرار داده است تا یادآور شود یکی از نشانه‌های ایمان، ادای زیارت اربعین است. این که شاعر زیارت سیدالشهدا علیه‌السلام را تجارتي دانسته که از عذاب الهی باز می‌دارد و سود آن روز قیامت حاصل می‌شود، می‌تواند تحت تأثیر روایاتی باشد که درباره جایگاه زوار امام حسین علیه‌السلام در قیامت ذکر شده است. از جمله آن‌ها می‌توان به روایت امام صادق علیه‌السلام اشاره کرد که گفته است: «مَا مِنْ أَحَدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا وَهُوَ يَتَمَنَّى أَنَّهُ مِنْ زُوَارِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِمَا يَرَى مِمَّا يُصْنَعُ بِزُوَارِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ كَرَامَتِهِمْ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى (ابن قولویه: ۱/۱۳۵)؛ هیچ کس در روز قیامت نیست مگر آرزو کند از زوار امام حسین علیه‌السلام باشد، وقتی جایگاه و عظمت زائران امام حسین را نزد خداوند می‌بیند».

در جای دیگر شاعر با بیان: و يَأْكُ اجِبْنَه نَدخَلُ اِبْتِجَارَه؛ (ای حسین!) آمديم با تو وارد تجارتي شويم. «حرکت به سمت امام» را حوزه مقصد و «ورود به تجارت» را حوزه مبدأ دانسته و اولی را بر دومی نگاشته است. در این عبارت نیز زیارت را منطبق بر تجارت دانسته است. طبق نظریه استعاره مفهومی، از این عبارت استعاره «شروع زیارت، شروع سرمایه‌گذاری است» استخراج می‌شود.

و نیز در نوحه آمده است: مثل التجاره هاذی عگلی ماشاف / مضمونه أرباحی أو تِردلی أضعاف؛ عقل من مثل این تجارت را ندیده است / سود آن تضمینی است و بهره چندین برابر برایم دارد. در این عبارت، شاعر زیارت را تجارتي انگاشته که تا به حال ماندش را ندیده است. سپس وجه تمایز آن با سایر تجارت‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها را توضیح داده است: «زیارت» را «تجارتی که سود در آن تضمین شده» و «بهره چندبرابری نیز خواهد داشت»، دانسته است. با تکیه بر نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون، استعاره «سود زیارت تضمینی و چندبرابر است» را می‌توان از این عبارت استخراج کرد. در باب سود یا همان اجر و پاداش زیارت سیدالشهدا علیه‌السلام روایات بسیاری نقل شده است. امام صادق علیه‌السلام در روایتی زیارت سیدالشهدا علیه‌السلام را بهترین کارها دانسته است: «إِنَّ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَفْضَلُ مَا يَكُونُ مِنَ الْأَعْمَالِ (همان: ۱۴۶): زیارت حسین علیه‌السلام برترین اعمال است».

به نظر می‌رسد شاعر با الهام از روایات مربوط به زیارت سیدالشهدا علیه السلام، «ثواب زیارت امام علیه السلام» به عنوان حوزه مقصد را بر حوزه مبدأ «سود» انطباق داده و به واسطه اعتقادی که به کلام معصوم و خداوند متعال دارد، برای زیارت، در چارچوب تجارت سود تضمینی متصور شده است. با توجه به این که استعاره‌های مفهومی برخاسته از فرهنگ و جغرافیا و تجارب و باورهای دینی و عقیدتی افرادند (کوچش: ۱۲۱)، می‌توان پشتوانه استفاده شاعر از این استعاره را همین باور و یقین قلبی او به اهل بیت علیهم السلام و روایات نقل شده از آن حضرات معصومین دانست.

در ادامه عبارت: لو أنفق ابد زب الزیارة دینار / يتعوّض الدینار عشرة آلاف؛ اگر در راه زیارت فقط یک دینار را انفاق کنم / همین یک دینار به ده هزار تبدیل می‌شود؛ آمده است.

در مورد پاداش چندبرابری در ازای هزینه سفر سیدالشهدا علیه السلام روایات بسیاری نقل شده است. یکی از آن روایات، روایت امام صادق علیه السلام است که در پاسخ به فردی که از پاداش زیارت سیدالشهدا علیه السلام از او پرسیده بود، فرموده است: «يُحَسَبُ لَهُ بِالذَّهَبِ أَلْفٌ وَ أَلْفٌ حَتَّى عَدَّ عَشْرَةً وَ يُرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلُهَا وَ رِضَا اللَّهِ خَيْرٌ لَهُ وَ دُعَاءُ مُحَمَّدٍ وَ دُعَاءُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةِ خَيْرٌ لَهُ» (ابن قولویه: ۱۲۸)؛ در مقابل هر درهمی که فرد برای زیارت هزینه کند، هزار هزار درهم منظور می‌گردد تا به ده برابر برسد، و خداوند به همین نسبت درجاتش را نیز رفیع می‌گرداند و رضایت خداوند و دعای پیامبر و امیرالمؤمنین و ائمه برای او بهتر است». طبق نظریه استعاره مفهومی، در این عبارت «زیارت» به عنوان حوزه مقصد بر «تجارتی با سود چندبرابری» به عنوان حوزه مبدأ نگاشته شده است. می‌توان گفت از این عبارت استعاره «زیارت تجارتی با سود چندبرابر است» به دست می‌آید. همچنین، در هر پنج عبارت ذکر شده، استعاره «زیارت سرمایه‌گذاری است»، دیده می‌شود.

در جای دیگری آمده است: زور و اخذ ربحك اغله گد جرحك / من الزهره؛ برو زیارت كن و بهره‌ات را از حضرت زهرا علیها السلام بگیر به اندازه داغی که بر دل داری!

شاعر با بیان عبارت به میزان زخم‌های بهره‌گیر، زخم‌ها و اندوه‌ها و داغ‌های زوار از غم سیدالشهدا علیه السلام را نوعی سرمایه انگاشته است. به این معنا که هرچه زائر داغدارتر باشد، سود بیشتری خواهد برد و نیز تأکید داشته که زائر سود خود یا همان اجر و پاداش زیارت سیدالشهدا علیه السلام را از حضرت زهرا علیها السلام دریافت خواهد کرد. درباره این موضوع که اجر و پاداش زیارت سیدالشهدا علیه السلام با حضرت زهرا علیها السلام است، روایات بسیاری نقل شده از جمله روایت ذیل از امام صادق علیه السلام: «إِنَّ فَاطِمَةَ تَحْضُرُ لِرُؤَايَا قَبْرِ ابْنِهَا الْحُسَيْنِ فَتَسْتَغْفِرُ لَهُمْ ذُنُوبَهُمْ» (همان: ۱۱۸)؛ فاطمه علیها السلام نزد زائران قبر پسرش



حسین علیه السلام حاضر می‌شود و برای گناهان آنها طلب آمرزش می‌کند». در عبارت فوق، طبق نظریه استعاره مفهومی، جراحات و اندوه به عنوان حوزه مقصد بر سرمایه به عنوان حوزه مبدأ منطبق شده و استعاره «جراحات و اندوه_ از غم سیدالشهدا علیه السلام_ سرمایه است» ایجاد شده است.

درجای دیگر، شاعر عبارت: آنا اللى رأس مالیه رجاءه / رجاءه بالکى غُسله من دماء؛ منم کسی که سرمایه‌اش امید اوست / امید او به کسی ست که با خون خویش غسل کرد؛ را به کار گرفته است. گفته شد که رأس المال عبارت است از سرمایه اولیه که شخص آن را دست‌مایه کسب و کار خود قرار می‌دهد. (۶) رجاء نیز در فرهنگ اسلامی از جایگاه والایی برخوردار است. خداوند در قرآن کریم سه ویژگی مهم برای رسیدن به مقام رجا ذکر کرده است: (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ) (بقره، ۲۱۸)؛ آنان که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا جهاد کرده‌اند، به رحمت خدا امید دارند. طبق این آیه، تحقق مقام رجا در وجود انسان، مشروط به سه شرط ایمان، هجرت و جهاد است.

در عبارت فوق، شاعر امید را همه دارایی خود انگاشته و آن را به امام حسین علیه السلام معطوف کرده است و با در نظر گرفتن این آیه، می‌توان گفت شاعر ایمان و هجرت و جهاد را ماحصل زیارت امام حسین علیه السلام دانسته است. استفاده از استعاره «امید سرمایه است»، نشان‌دهنده میزان اعتماد و ارادت شاعر به سیدالشهدا علیه السلام است.

۴-۲-۲. معامله، طرفین معامله، ثمن و کالا

در نوحه آمده است: یحسین یعنه ارواحنا اشتريها / ردنا الثمن خطوه مشی ابریاره؛ ای حسین؛ روح- هایمان را می‌فروشیم، لطفاً خریدار آنها باش / قیمت آنها را معادل برداشتن یک قدم در راه زیارت می- خواهیم.

در اینجا شاعر از امام درخواست می‌کند، روح زوار را که برای فروش آورده‌اند از آنها بخرد و در ازای آن توفیق قدم برداشتن ولو اندازه یک‌قدم در مسیر زیارت را به آنها بدهد. زیارت پیاده سیدالشهدا علیه السلام در فرهنگ شیعی بسیار مورد توجه بزرگان دینی قرار دارد و اجر و پاداش بسیاری برایش بیان شده است. از جمله این روایت از امام صادق علیه السلام که فرمود: «مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَاشِياً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَ رَفَعَ لَهُ أَلْفَ دَرَجَةٍ...» (ابن قولویه: ۲۵۵)؛ کسی که پیاده به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود، خداوند متعال به هر قدمی که بر می‌دارد، هزار حسنه برایش ثبت و هزار گناه از وی محو می‌فرماید و هزار درجه مرتبه‌اش را بالا می‌برد».



شاعر با استفاده از کلمات بیع و اشتراء و ثمن ساختار معامله را برای زیارت ترسیم کرده است؛ امام حسین علیه السلام را خریدار کالای مورد معامله و زائر را فروشنده کالا دانسته است؛ بنابراین می‌توان علاوه بر استعاره «زیارت معامله است»، استعاره‌های «امام حسین علیه السلام خریدار است» و «زائر فروشنده است»، را از این عبارات استخراج کرد. همچنین، شاعر در این عبارت روح را کالا انگاشته و قدم برداشتن در مسیر زیارت را ثمن یا هزینه کالا فرض کرده است. در واقع شاعر بهای روح زوار را قدم برداشتن در مسیر زیارت دانسته است. در این عبارت چون خواسته شاعر در ازای روح خود به جای ثمن، توفیق برداشتن یک قدم در مسیر اربعین است، معامله کالا به کالا در ذهن تداعی می‌شود. بنابراین دو استعاره «روح کالا است» و «قدم برداشتن در مسیر زیارت، کالا است» از این عبارت به دست می‌آید.

شاعر در جای دیگری از نوحه گفته است: جیت بعت عمری؛ وأرید أشری / رضه إحسینی؛ آمدم، عمرم را فروختم و می‌خواهم رضایت حسینم را بخرم.

در این عبارت نیز شاعر به‌عنوان زائر خود را در مقام فروشنده و خریدار فرض کرده است و با فروش عمر خود، قصد دارد رضایت امام را خریداری کند. عبارت رضای حسینی دارای دو مفهوم است. نخست کسب رضایت سیدالشهدا علیه السلام و دوم کسب رضایتی همچون رضایت سیدالشهدا علیه السلام در پیشگاه الهی. رضایت امام حسین علیه السلام که نقل است واقعه عاشورا با آن عظمت را به جهت کسب مقام رضا نزد خداوند متعال رقم زده است، در فرهنگ شیعی از ارزش و جایگاه والایی برخوردار است. آیات (يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ / اِزْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً) (۲۷ و ۲۸ سوره فجر) به معنای «ای نفس مطمئنه خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت بازگرد»، متعلق به امام حسین علیه السلام است. گفته شده است: «سوره فجر سوره حسین علیه السلام است؛ زیرا حسین علیه السلام دارای نفس مطمئنه بود. در این حدیث یاران امام حسین علیه السلام هم مصداق راضیه و مرضیه معرفی شده‌اند؛ چراکه در قیامت، آن‌ها از خدا راضی‌اند و خدا هم از آن‌ها خشنود است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۴/ ۹۳).

شاعر در اینجا دو معامله را ترسیم کرده است. در معامله نخست «عمر» خود را به فروش رسانده است و در معامله دوم، قصد خرید «رضایت سیدالشهدا علیه السلام» را دارد. هردو مفهوم عمر و رضایت امام حسین علیه السلام را کالا انگاشته و درصدد معامله این دو برآمده است. بنابراین ابتدا استعاره «زیارت معامله است» و سپس دو استعاره «عمر کالای مورد معامله است» و «رضایت امام حسین، کالای مورد معامله است» به دست می‌آید. همچنین، می‌توان استعاره‌های «زائر خریدار است»، «زائر فروشنده است»، را نیز از این عبارت بیرون کشید.

در جای دیگر دیده می‌شود: *مِثْرُ ابْنِ مُحَمَّدٍ لِحُسَيْنِ ابْنِ مُوَكَّبٍ / وَ اشْتَرَى جَنَّةَ عَرْضَهَا السَّمَاوَاتِ*؛ وجب به وجب برای حسین موکب بنا کن / و بهشتی بخر که پهنای آن به وسعت آسمان‌ها باشد.

در اینجا شاعر بناکردن موکب در مسیر زیارت سیدالشهدا^{علیه‌السلام} یا به بیان دیگر خدمت به زائران سیدالشهدا^{علیه‌السلام} را خریدن بهشتی به پهنای آسمان‌ها دانسته است که کنایه‌ای است از بهای چندبرابر برپاکردن موکب در مسیر زیارت. در این عبارت شاعر «خدام سیدالشهدا^{علیه‌السلام}» را «خریداران بهشت» انگاشته است. در روایات بسیاری پاداش هزینه کردن در مسیر سیدالشهدا^{علیه‌السلام} بهشت دانسته شده است. از جمله این روایات می‌توان به روایت امام صادق^{علیه‌السلام} اشاره داشت که فرمود: «زُورُوا الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَوْ كُلَّ سَنَةٍ فَإِنَّ كُلَّ مَنْ أَتَاهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ غَيْرَ جَائِدٍ لَمْ يَكُنْ لَهُ عَوْضٌ غَيْرَ الْجَنَّةِ وَ رُزْقٌ رُفْقًا وَاسِعًا وَ أَتَاهُ اللَّهُ بِفَرَجٍ عَاجِلٍ» (ابن قولویه: ۸۵)؛ حسین^{علیه‌السلام} را حداقل سالی یک بار زیارت کنید که هر کس در حالی که حق او را می‌شناسد و آن را انکار نمی‌کند به زیارتش بیاید، پاداشی ندارد، مگر بهشت و روزی او وسیع خواهد شد و خداوند گشایشی سریع (در کارها) برایش ایجاد خواهد کرد.

به نظر می‌رسد با توجه به بند «یا لراید استثمار و ابضمانات / اقره ابتأمل کامل الزیارات» به معنی ای کسی که سرمایه‌گذاری تضمینی می‌خواهی/ با دقت کتاب «کامل الزیارات» را بخوان که در ادامه آمده؛ و اشاره صریح شاعر به کتاب کامل الزیارات که شامل روایات متعددی پیرامون زیارت سیدالشهدا^{علیه‌السلام} است، شاعر متأثر از اشارات روایی پیرامون ثواب هزینه کردن در مسیر زیارت امام حسین^{علیه‌السلام} برپایی موکب به عنوان حوزه مقصد را بر خرید بهشت به عنوان حوزه مقصد منطبق ساخته است. از عبارت فوق می‌توان استعارة «خدام خریدار است» و «بهشت کالای مورد معامله است» را استخراج نمود.

در جای دیگری شاعر چنین گفته است: *صار عَقْدٌ رَشْمِيٌّ؛ قَصْرٌ بِسْمِيٍّ / وَ يَهْ كُلَّ خَطْوَةٍ؛ قَوْلُ نَامَةِ* ای رسمی است؛ کاخی به نام من می‌شود با هر قدمی که برمی‌دارم.

شاعر حضور در پیاده‌روی را قول‌نامه‌ای رسمی دانسته و مدعی است به ازای هر قدمی که در مسیر زیارت برمی‌دارد، قصری در بهشت به نامش سند خواهد خورد. به بیان دیگر، شاعر هر قدم در مسیر پیاده‌روی را به عنوان حوزه مقصد بر کالای مورد معامله به عنوان حوزه مبدأ منطبق کرده و قصری در بهشت را به عنوان حوزه مقصد استعاره‌ای دیگر، بر ثمن به عنوان حوزه مبدأ انگاشته و قصری در بهشت را بهای هر قدم در مسیر زیارت در نظر گرفته است. این تصور برخاسته از روایت امام صادق^{علیه‌السلام} است که در پاسخ سؤالی مبنی بر عدم توفیق حضور برای زیارت سیدالشهدا^{علیه‌السلام} و پرداخت هزینه سفر فردی دیگر پرسیده، فرموده است: «فَمَا لِمَنْ يَجْهَرُ إِلَيْهِ وَ لَمْ يَخْرُجْ لَعَلَّهُ تُصِيبُهُ لِقَلَّةٌ نَصِيبِهِ قَالَ: يَعْطِيهِ اللَّهُ بِكُلِّ

دُرْهَمٍ أَنْفَقَهُ - مِثْلُ أَحَدٍ مِنَ الْحَسَنَاتِ وَ يَخْلِفُ عَلَيْهِ أَصْعَافَ مَا أَنْفَقَهُ وَ يَصْرِفُ عَنْهُ مِنَ الْبَلَاءِ مِمَّا قَدْ نَزَلَ لِيَصْبِيَهُ وَ يَدْفَعُ عَنْهُ وَ يَحْفَظُ فِي مَالِهِ / به ازای هر درهمی که خرج کند، خداوند همانند کوهی که برایش حسنه می نویسد، چندین برابر آنچه هزینه کرده را به او بر می گرداند، بلاهایی را که فرود آمده تا به او برسد، از او می گرداند و از وی دور می کند و مالش حفظ می شود» (همان: ۱۲۹) و در کنار استعاره «زیارت معامله است» دو استعاره «هر قدمی در پیاده روی، کالای مورد معامله است» و «قصری در بهشت ثمن است» از این عبارت برداشت می شود. علاوه بر این، عبارت فوق اصطلاح معامله کالا به کالا را نیز به ذهن متبادر می کند.

در جای دیگر آمده است: أفضل بضاعة إزياره أربعينه؛ بهترین کالا، زیارت اربعین است.

شاعر «زیارت اربعین» به عنوان حوزه مقصد را «بهترین کالا برای تجارت» به عنوان حوزه مبدأ انگاشته است. از این عبارت، استعاره مفهومی «زیارت اربعین، کالاست» استخراج می شود. طبق روایتی از امام صادق علیه السلام که فرمود: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ أَيْنَ رُؤَاةِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ فَيَقُومُ عُنُقُ مِنَ النَّاسِ لَا يُحْصِيهِمْ إِلَّا اللَّهُ تَعَالَى فَيَقُولُ لَهُمْ مَا أَرَدْتُمْ بِزِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ فَيَقُولُونَ يَا رَبِّ أَتَيْنَاهُ حُبًّا لِرَسُولِ اللَّهِ وَ حُبًّا لِعَلِيِّ وَ فَاطِمَةَ وَ رَحْمَةً لَهُ مِمَّا أَذْكَبَ مِنْهُ فَيَقَالَ لَهُمْ هَذَا مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ فَالْحَقُّوا بِهِمْ فَأَنْتُمْ مَعَهُمْ فِي دَرَجَتِهِمْ الْحَقُّوا بِلُؤَاءِ رَسُولِ اللَّهِ فَيَنْطَلِقُونَ إِلَى لُؤَاءِ رَسُولِ اللَّهِ فَيَكُونُونَ فِي ظِلِّهِ - وَ اللَّوَاءُ فِي يَدِ عَلِيٍّ حَتَّى يَدْخُلُوا [يَدْخُلُوا] الْجَنَّةَ جَمِيعًا فَيَكُونُونَ أَمَامَ اللَّوَاءِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ بَسَارِهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ (همان: ۱۴۱)؛ هنگامی که روز قیامت شود منادی ندا می کند: زوار حسین بن علی کجا هستند؟ جمع زیادی که شمارش آن‌ها را فقط خدا می داند، بر می خیزند. به آن‌ها گفته می شود که برای چه به زیارت قبر حسین می رفتید؟ می گویند: خدایا به جهت محبت پیامبر و علی و فاطمه و طلب رحمت برای آن حضرت به ازاء آنچه از آن حضرت صادر گردید، پس به آن‌ها گفته می شود: ایشان محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین سلام الله عليهم بوده، ملحق به آن‌ها شوید؛ شما با ایشان و در درجه و مرتبه آن‌ها هستید، به لواء و پرچم رسول خدا ملحق گردید. پس به طرف لواء آن حضرت رهسپار شده و در سایه آن قرار می گیرند؛ در حالی که لواء به دست امیرالمؤمنین علی علیه السلام می باشد و بدین ترتیب به بهشت وارد می شوند. ایشان جلو پرچم و سمت راست و چپ و پشت آن بودند». می توان گفت معنای ضمنی عبارت مورد بحث به ارزشمندی زیارت اربعین در روز قیامت اشاره دارد.

در عبارت ذیل: زور تره الزاير: صُبح تاجر/ مع العترة؛ زیارت کن که زائر در همراهی و شراکت عترت پیامبر تاجر می شود؛ نیز شاعر به بیان این که زیارت باعث می شود زائر با اهل بیت عليهم السلام شریک



شود و به تاجر تبدیل شود، پرداخته است. در این عبارت، ابتدا زیارت به عنوان حوزه مقصد بر شراکت به عنوان حوزه مبدأ انگاشته شده، سپس زائر به عنوان حوزه مقصد بر تاجر به عنوان حوزه مبدأ منطبق گشته است. به نظر می‌رسد، براینکه شاعر از بیان ثواب‌های گوناگون برای زیارت سیدالشهدا علیه السلام و نیز تأکید بر همراهی و تبعیت از اهل بیت علیهم السلام در روایات این بوده که زیارت آن حضرت تاحد زیادی به تجارت شبیه است. طبق نظر لیکاف و جانسون، استعاره‌های مفهومی مورد نظر، در عبارت فوق «زیارت شراکت است» و «زائر تاجر است» می‌باشد.

۴-۲-۳. ضامن

شاعر در عبارت ذیل: وِیَاکَ اِجِیْنَه نَدْخَلَ اِتْجَارَه / یا ضامن الصَّفْقَه بلا خساره: (ای حسین) آمدم وارد تجارتی شویم/ای ضامن این معامله بی ضرر.

امام حسین علیه السلام را ضامن معامله بی ضرر انگاشته و به واسطه حساب روی این ویژگی حضرت قصد دارد وارد این تجارت شود. و روشن است که غرض وی از تجارت، زیارت آن حضرت است. این عبارت استعاره مفهومی «امام حسین علیه السلام ضامن است» را در خود دارد که ذهن‌ها را تا حدی به سوی مبحث شفاعت سوق می‌دهد. طبق باور شیعه یکی از شفیعیان روز قیامت، امام حسین علیه السلام است. شیعیان در سجده پایان زیارت عاشورا، بعد از حمد و ستایش خداوند به سبب تحمّل مصیبت آن حضرت، می‌گویند: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ؛ خدایا شفاعت حسین را روز ورود به صحنه محشر، روزی‌ام کن»؛ و به دنبال آن می‌افزایند: «وَبَيِّتْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَدَلُوا مَهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ» (مان: ۱۷۹)؛ خداوند! گام‌های مرا از روی صدق نزد خودت، با حسین علیه السلام و یارانش ثابت بدار؛ همان یارانی که خون خود را نثار امام حسین علیه السلام کردند». همچنین در حدیث شریف کسا، وقتی امام حسین علیه السلام وارد می‌شود، پیامبر می‌فرماید: «وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَ يَا شَافِعَ أُمَّتِي؛ و بر تو باد سلام ای فرزندم و ای شفاعت کننده امت!» (قمی، ۱۳۸۴: ۱۳۴۱). می‌توان گفت شاعر به استناد جایگاه شفاعت امام حسین علیه السلام در روایات، او را ضامن معامله‌ای بدون خسارت دانسته است. نکته قابل توجه در خصوص شفاعت این است که نه تنها سیدالشهدا علیه السلام در قیامت شفاعت می‌کند، بلکه زائران و گریه‌کنندگان بر آن حضرت علیه السلام نیز به مقام شفاعت می‌رسند. امام صادق علیه السلام درباره مقام زائر امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «زَائِرُ الْحُسَيْنِ مُشَفَّعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِمَا نَزَلَ رَجُلٌ كُلُّهُمْ قَدْ وَجِبَتْ لَهُمُ النَّارُ مِمَّنْ كَانَ فِي الدُّنْيَا مِنَ الْمُسْرِفِينَ (الطبرسی، بی تا: ۲۵۳/۱۰)؛ زائر امام حسین علیه السلام شفیع صد نفر در روز قیامت است؛ کسانی که آتش دوزخ بر ایشان واجب شده و کسانی که در دنیا از مسرفان بوده‌اند».

۴-۲-۴. سود و زیان

حضرت علی^{علیه السلام} در حکمت ۱۱۳ نهج البلاغه عمل صالح را به تجارت و ثواب را به سود مانند دانسته است: «لَا تِجَارَةَ كَالْعَمَلِ الصَّالِحِ وَ لَا رِبْحَ كَالْثَوَابِ / هیچ تجارتی همچون عمل صالح نیست و هیچ سود و بهره‌ای مانند ثواب نیست» (شیروانی: ۷۴۹). به نظر می‌رسد شاعر اجر و پاداش زیارت اربعین را که مصداق عمل صالح است، سود انگاشته است. از مجموع استعارات و مفهوم نوحه تجارة لن تبور که ریشه در روایات متعددی دارد که به بیان اجر و پاداش زیارت اربعین پرداخته‌اند، می‌توان استعاره «ثواب زیارت، سود است» را به دست آورد (۷).

همچنین در عبارت: صار السفر مكسب إذا أتعب التعب يسوه؛ این سفر دستاورد و منفعت است و اگر خسته شوی، خستگی می‌ارزد.

شاعر سفر زیارتی را درآمد انگاشته و خستگی در این سفر را، سود فرض کرده است. این عبارت به روایت معروف امام صادق^{علیه السلام} اشاره دارد: «إِذَا زُرْتَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فُزِرَ وَأَنْتَ حَزِينٌ مَكْرُوبٌ، سَعَتٌ مُعَبَّرٌ، جَائِعٌ عَطْشَانٌ؛ فَإِنَّ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُتِلَ حَزِينًا مَكْرُوبًا، سَعَتًا مُعَبَّرًا، جَائِعًا عَطْشَانًا، وَاسْأَلُهُ الْحَوَائِجَ، وَانصَرَفَ عَنْهُ وَلَا تَتَّخِذْهُ وَطَنًا (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۷۶/۴)؛ هرگاه خواستی ابا عبدالله^{علیه السلام} را زیارت کنی با دلی اندوهگین و غرق غم، ظاهری آشفته و غبارآلود؛ و گرسنه و تشنه به زیارت او مشرف شو، چرا که امام حسین^{علیه السلام} با حالتی اندوهگین، غرق غم، گرسنه و تشنه به شهادت رسید، سپس حوائج را بخواه و برگرد و کربلا را وطن خود مگیر». طبق مجموع روایات منقول به مفهوم «در سفر اربعین حتی خستگی هم سود است»، از عبارت فوق برداشت می‌شود و با انطباق «خستگی» به عنوان حوزه مقصد بر «سود» به عنوان حوزه مبدأ می‌توان استعاره مفهومی «خستگی در سفر اربعین سود است» را از عبارت فوق برداشت کرد.

۵. نتیجه‌گیری

با مطالعه استعاره مفهومی نوحه اربعینی تجارة لن تبور با تکیه بر نظریه لیکاف و جانسون روشن شد که شاعر به منظور تبیین جایگاه زیارت و اجر و پاداش دنیوی و اخروی آن، سعی کرده با ترسیم ساختاری متناسب با ساختار تجارت که برای همه‌ی انسان‌ها ساختاری ملموس و شناخته‌شده است، اهمیت و ارزش زیارت و اجر و پاداش دنیوی و اخروی آن را برای همگان روشن سازد. در این راستا، زیارت را یک معامله و شراکت با اهل بیت و سرمایه‌گذاری سودمند با سودی تضمینی و چندبرابر و بلندمدت و بدون ضرر



انگاشته، امام حسین علیه السلام را خریدار روح و جان و عمر زوار و قدم‌هایشان در مسیر پیاده‌روی اربعین فرض کرده، زوار را فروشندگان عمر و جان و روح و خریداران زیارت و رضایت امام حسین علیه السلام و بهشت؛ و خدام سیدالشهدا علیه السلام را خریداران بهشت دانسته است. مفاهیمی چون امید و جراحات و اندوه در غم سیدالشهدا علیه السلام را سرمایه دانسته، اجر و پاداش و خستگی در مسیر زیارت را سود انگاشته و در نهایت، با تطبیق بخش‌های مختلف زیارت بر ارکان تجارت، کلان‌استعاره «زیارت تجارت است» را خلق کرده است. در جدول شماره ۱ به‌طور مختصر انطباق حوزه مبدأ تجارت و لوازم و بخش‌های آن بر حوزه مقصد قابل مشاهده است.

ردیف	عنوان	حوزه مقصد	حوزه مبدأ	خرد استعاره
۱	تشریف به زیارت		شروع سرمایه گذاری	زیارت سرمایه گذاری است
۲			سرمایه گذاری بلندمدت	
۳			تجارتی بدون ضرر	
۴			تجارتی با سود تضمینی	
۵			تجارتی با سود چند برابر	
۶		شراکت با اهل بیت	زیارت شراکت است	
۷			معامله	زیارت معامله است.
۸	امید	سرمایه		امید سرمایه است.
۹	جراحت و اندوه			جراحت و اندوه سرمایه است.
۱۰	امام حسین علیه السلام	خریدار		امام حسین علیه السلام خریدار است.
۱۱	خادم			خادم خریدار است.
۱۲	زائر			زائر خریدار است.
۱۳		فروشنده	زائر فروشنده است.	
۱۴		تاجر	زائر تاجر است.	
۱۵	قصری در بهشت	ثمن		قصری در بهشت ثمن است.
۱۶	رضایت امام حسین علیه السلام	کالای مورد معامله		رضایت امام حسین علیه السلام کالا است.

بہشت کالا است.		بہشت	۱۷
عمر کالا است.		عمر	۱۸
قدم برداشتن در پیادہ روی اربعین کالا است.		قدم برداشتن در پیادہ روی اربعین	۱۹
روح کالا است.		روح	۲۰
زیارت اربعین کالا است.		زیارت اربعین	۲۱
امام حسین علیہ السلام ضامن است.	ضامن	امام حسین علیہ السلام	۲۲
اجر و پاداش زیارت سود است.	سود	اجر و پاداش زیارت	۲۳
خستگی زیارت سود است.		خستگی زیارت	۲۴
زیارت سود(درآمد) است.		زیارت	۲۵
کلان استعارہ			
«زیارت تجارت است».			

جدول شماره ۱

طبق جدول شماره ۱، شاعر با استفاده از ۲۵ خرداستعارہ به منظور انطباق حوزه مقصد زیارت بر حوزه مبدأ تجارت، برای زیارت سیدالشہداء علیہ السلام ساختاری مشابه تجارت تعریف کردہ و کلان استعارہ «زیارت تجارت است» را ایجاد نمودہ است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد مفاهیم مورد استفاده در این نوحہ از روایات اہل بیت علیہم السلام درباره زیارت سیدالشہداء علیہ السلام و بہویژہ زیارت اربعین تاثیر پذیرفتہ است. بہ بیان دیگر، شاعر این نوحہ با بہرہ گیری از آموزہ‌های دینی و اعتقادی و تحت تاثیر فرہنگ شیعی رایج در عراق، زیارت را بہ مثابہ تجارت انگاشتہ است. می‌توان گفت خاستگاہ استعارہ مفہومی «زیارت تجارت است» در این نوحہ، باورهای اعتقادی و دینی شاعر آن است.



فهرست منابع

*قرآن کریم

کتاب فارسی

- بن خلف، محمدحسین. (۱۳۸۰). فرهنگ فارسی برهان قاطع. تهران: نیما.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۹۰). فرهنگ دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
- راسخ مهند، محمد. (۱۳۹۴). درآمدی بر معناشناسی شناختی، نظریه‌ها و مفاهیم. تهران: سمت.
- شیروانی، علی. (۱۳۹۰). نهج البلاغه: کلام امیر. قم: معارف.
- صفوی، کوروش. (۱۳۸۳). درآمدی بر معناشناسی. تهران: سوره مهر.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۵). سبک‌شناسی: نظریه‌ها و رویکردها و روش‌ها. تهران: سخن.
- قاسم‌زاده، حبیب‌الله. (۱۳۷۹). استعاره و شناخت. تهران: فرهنگان.
- قاضی طباطبایی، سیدمحمدعلی. (۱۳۶۸). تحقیق درباره اول اربعین سید الشهداء. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کوجش، زلتن. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره. شیرین پورابراهیم. تهران: سمت.
- لیکاف، جورج. (۱۳۹۶). قلمرو تازه علوم شناختی. جلد ۱، ترجمه: جهان‌شاه بیگی. تهران: آگاه.
- لیکاف، جورج و جانسون، مارک. (۱۳۹۹). استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم. ترجمه: جهان‌شاه بیگی. تهران: آگاه.
- مطهری مرتضی. (۱۳۷۸). حماسه‌ی حسینی. قم: صدرا.
- نفیسی، علی اکبر. (۱۳۴۳). فرهنگ نفیسی. تهران: خیام.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۳۸۲). فرهنگ فقه: مطابق مذهب اهل بیت (ع). قم: موسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی.

کتاب عربی

- ابن قولویه، جعفر بن محمد. (بی‌تا). کامل الزیارات. جلد ۱. بیروت: مکتبه الصدوق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). لسان العرب. جلد ۴. بیروت: دارالصادر.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۱۰۴). وسائل الشیعة. جلد ۱۰ و ۱۷. قم: آل‌البیت.
- حسینی جلالی، محمدرضا. (۱۴۱۶). تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. جلد ۱۴. قم: آل‌البیت.
- الطبرسی نوری حسین. (بی‌تا). مستدرک الوسائل. جلد ۱۰. قم: آل‌البیت.
- الطوسی، محمد بن الحسن. (۱۳۶۴). تهذیب الأحکام فی شرح المقنعه. جلد ۶. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قمی شیخ عباس. (۱۳۸۴). مفاتیح الجنان. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- مجلسی محمدباقر. (۱۴۰۳). بحارالانوار. جلد ۲۴. قم: دارالکتب الاسلامیه.

مقالات و پایان‌نامه‌ها

- افراشی، آریتا و حسامی، تورج. (۱۳۹۲). تحلیل استعاره‌های مفهومی در یک طبقه‌بندی جدید با تکیه بر نمونه‌هایی از زبان فارسی و اسپانیایی. پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی. ۲(۵)، صص ۱۴۱-۱۶۵.
- ذوالفقاری، اختر و عباسی، نسرين. (۱۳۹۴). استعاره‌های مفهومی و طرحواره‌های تصویری در اشعار ابن خفاه. فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی و بلاغی. ۳(۳)، صص ۱۰۵-۱۲۰.

- ریکور، پل (۱۳۸۶). استعاره و ایجاد معنی جدید در زبان، حسین نقوی. نشریه معرفت، ۱۶ (۲۰)، صص ۸۱-۹۴.
- عبدالکریمی، سپیده. (۱۳۹۰). بررسی محدودیت‌های واژی معنایی حاکم بر اشتقاق فعل مرکب، از بسط متناظر و فعل بسط از مرکب متناظر در فارسی معیار رویکردی شناختی. (رساله دکتری)، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- کریمی، طاهره. (۱۳۹۴). بررسی معناشناختی استعاره‌های چندشبکه‌ای مادر و طفل در دیوان شمس. فصل‌نامه تخصصی نقد ادبی، ۸ (۳۰)، صص ۱۴۵-۱۶۵.

پی‌نوشت‌ها

- (۱) میرزا عادل اشکنانی که نسبش به قبیله معروف اشکنانی در خلیج می‌رسد و نسل اجداد پدری او به امام موسی الکاظم علیه‌السلام ختم می‌شود و به همین سبب به او لقب میرزا داده‌اند. میرزا عادل شاعر مرثی و نوحه‌های زیادی برای مداحان معروف بوده که در راس آن‌ها باسم کربلایی قرار دارد.
- (۲) متن نوحه مورد بررسی به پیوست مقاله آمده است.
- (۳) امروزه سه نگرش غالب در زبان‌شناسی وجود دارد و این سه شامل زبان‌شناسی صورت‌گرا، زبان‌شناسی نقش‌گرا و زبان‌شناسی شناختی می‌باشند (راسخ مهند ۱۳۹۴: ۱۴).
- (۴) لازم به ذکر است که این دسته‌بندی بعدها توسط خود نظریه‌پردازان و نیز دانشمندانی چون کوچش مورد انتقاد قرار گرفته است.
- (۵) باتوجه به تأکید لیکاف و جانسون بر فرهنگ عامه در بحث استعاره‌های مفهومی، اعمال، اشخاص و اصطلاحات تجارت با تکیه بر فرهنگ عامه و آنچه در کوچه و بازار رواج دارد، ذکر شده است.
- (۶) این مطلب در صفحه ۱۱ پژوهش حاضر، ذیل عنوان ارکان مختلف تجارت به‌عنوان حوزه مبدأ، در بخش اصطلاحات تجارت آمده است.
- (۷) در این خصوص توضیح بیشتری در صفحه ۱۵ پژوهش حاضر ارائه شده است.

پیوست‌ها

در ادامه متن کامل نوحه تجارتنا لن تبور به همراه ترجمه‌ی آن قابل مشاهده است:

۱) نرجو تجارة لنا لن تبور

یا مالک السُّعور و اللّٰهُ شُعورٌ / سَعِياً علی الرؤوس جئنَا نَزورُ / نرجو تجارة لنا لن تبورُ / یا ایُّهَا الذین آمنوا هَلْ / أَذَلَّکُمْ علی الطريق الأمثل / تجاره تُنَجِّیْکُمْ من عذاب / بیها الرِّیح یوم القیامه یحصلُ / فاز الکصد یمه ؛ ولا هَمُّهُ / حَجِی العاذِلُ / فاز الذی یحظرُ؛ لبوالأكبر / و ابوفاضل

یا مالک السُّعور و اللّٰهُ شُعورٌ / سَعِياً علی الرؤوس جئنَا نَزورُ / نرجو تجارة لنا لن تبورُ / ویاک ایینه ندخل إبتجاره / یا ضامن الصَّفَقه بلا خساره / یحسین یعنه أرواحنا اشتريها / ردنا الثمن خطوه مشی ابریاره / هاک نَزف دَمی؛ أَوْ سِعر سَهْمی / رخص لجلک / هاک یسلطانی؛ عُلُو شانی / تحت رِجلک



یا مالک الشعور و الّا شعور / سَعياً على الرؤوس جئنا نزور / نرجو تجارة لنا لن تبور / يالرايد استثمار و ابضمانات / اقره ابتامل
کامل الزيارات / مَثْرِ اِمْتَرِ لحسين ابني مؤكّب / و اشتري جته غَرْضُهَا السّماوات / زور تره الزاير : صُبْحِ تاجر / مع العترة / زور
وإخذ ربّحك اغله كد جرحك / من الزهره

یا مالک الشعور و الّا شعور / سَعياً على الرؤوس جئنا نزور / نرجو تجارة لنا لن تبور / أنا اللي رأس مالیه رجاءه / رجاءه باللی
عُسله من دمائه / أفضل بضاعه إزياره أربعينه / و الجته بؤايتها كربلاءه / جيت لمَعشوقی : أنا أو شوگی / أو دمع عینی / جيت
بعث عمری : وأريد أشري / رضه إحسينی

یا مالک الشعور و الّا شعور / سَعياً على الرؤوس جئنا نزور / نرجو تجارة لنا لن تبور / مثل التجارة هاذی عگلی ماشاف /
مضمونه أرباحی أو تردلی أضعاف / لو أنفق ابدؤب الزیاره دینار / يتعوض الدینار عشرة آلاف / صار عقْد رَشمی: قَصْر بِشمی /
أویه کل خطوه / صار السّفر مکسّب إذا أتعب / التعب یسوه

یا مالک الشعور و الّا شعور / سَعياً على الرؤوس جئنا نزور / نرجو تجارة لنا لن تبور / الضیّف له زایر و وأکرّمه اِمْتِیته / هُوّه
الحُسین اِئْتَفَقَ یحمی بیته / و الله یبارک له ابرزق عیاله / و اِنطُصول عمره أو تدفیع بلیته / شوف الفَتَح داره : لخطاره / اشعظم
قَدْره شوف وإخذ حصّه الحَیّا قُرصه / تجی مَرّه

ترجمه:

امید تجارتی بدون زیان داریم / ای مالک ضمیر خود آگاه و ناخود آگاه / با سرها (به جای پاها) به زیارت آمدم / امید تجارتی
بدون زیان داریم.

ای کسانی که ایمان آورده اید، آیا برترین راه را نشانتان بدهم؟ / تجارتی که شما را از عذاب نجات می دهد / و سود آن در روز
قیامت عایدتان می شود / پیروز شد کسی که کنار او (حسین) رفت / و به حرف های بدخواهان اهمیت نداد / پیروز شد کسی
که پیش پدر اکبر (حسین) و ابوفاضل حاضر شد.

ای مالک ضمیر خود آگاه و ناخود آگاه / با سرها (به جای پاها) به زیارت آمدم / امید تجارتی بدون زیان داریم.

(ای حسین) آمدم با تو وارد تجارتی شویم / ای ضمانت دهنده ی بدون خسارت بودن این معامله.

ای حسین! جان هایمان را می فروشیم، لطفاً خریدار آن ها باش / قیمت آن ها را معادل برداشتن یک قدم در راه زیارت می -

خواهیم.

بگیر این خونم را. قیمت سهم من برای تو ارزان باشد / بگیر؛ ای سرورم؛ شأن والايم در زیر پای شماست.

ای مالک ضمیر خود آگاه و ناخود آگاه / با سرها (به جای پاها) به زیارت آمدم / امید تجارتی بدون زیان داریم.

ای کسی که سرمایه‌گذاری تضمینی می‌خواهی/با دقت کتاب «کامل الزیارات» را بخوان/و جب به وجب برای حسین موکب بنا کن/و بهشتی بخر که پهنای آن به وسعت آسمان‌ها باشد/برو زیارت کن که زیارت‌کننده تاجری شد شریک عترت پیامبر.

برو زیارت کن و بهره‌ات را بگیر به اندازه‌ی زخم دلی که داری.

ای مالک ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه/با سرها (به‌جای پاها) به زیارت آمدم/امید تجارتی بدون زیان داریم. منم کسی که سرمایه‌اش امید اوست/امید او به کسی است که غسل او از خورشید شد/بهترین کالا برای تجارت: زیارت اربعین است/و درب ورودی بهشت کربلای اوست/آدم سوی معشوقم، من و اشتیاقم و اشک چشمانم/آدم؛ زندگی خودم را فروختم و می‌خواهم رضایت حسینم را بخرم.

ای مالک ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه/با سرها (به‌جای پاها) به زیارت آمدم/امید تجارتی بدون زیان داریم/عقل من مثل این تجارت را ندیده است/سود آن تضمینی است و بهره‌ی چندین برابر برایم دارد/اگر در راه زیارت فقط یک دینار را انفاق کنم/همین یک دینار به ده هزار تبدیل می‌شود/قول‌نامه‌ای رسمی امضا شد: کاخی به نام من شد با هر قدمی که بر می‌دارم.

این سفر پیشه و درآمد شد/اگر خسته شوم، خسته‌شدن می‌ارزد.

ای مالک ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه/با سرها (به‌جای پاها) به زیارت آمدم/امید تجارتی بدون زیان داریم/کسی که زائری را مسکن دهد و به او در خانه‌اش گرم کند/امام حسین علیه السلام خودش و خانه‌اش را حمایت می‌کند/و خداوند در رزق و روزی اهل بیتش برکت می‌گذارد/و عمرش طولانی و از بلا دور می‌شود/بین کسی که خانه‌اش را برای مهمانش بگشاید، قدر و منزلتش چقدر عظیم است/بین و بهره‌ای ببر که عمر فرصتی است که فقط یک بار پیش می‌آید

